زاویه

رسوایی‌های کمتر شنیده‌شده خانواده کلینتون
از ایجاد سیستم گشتاپویی تا غارت کاخ سفید

هیلاری کلینتون فعالیت‌های انتخاباتی خود را برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۶ آغاز کرده است. اما با توجه به سابقه نه چندان روشن خانواده کلینتون، تردیدها دراین‌باره بسیار زیاد است.

بسیاری حتی چهره‌های مطرح دموکرات نیز اگرچه آشکارا با کاندیداتوری هیلاری کلینتون مخالفت نکرده‌اند، اما در محافل سیاسی از نگرانی شدید خود درباره شفاف‌نبودن خانواده کلینتون و احتمال روشن‌شدن رسوایی دیگری سخن می‌گویند؛ رسوایی‌ای که می‌تواند انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ را به فضای تمام‌عیار برای دموکرات‌ها تبدیل کند. دموکرات‌هایی که با وادکاری سنا و مجلس نمایندگان به جمهوری‌خواهان به حفظ کرسی ریاست‌جمهوری امید بسته‌اند. بنگاه خبری WND نگاهی به تمام رسوایی‌های هیلاری کلینتون در عرصه سیاسی داشته:

سیستم گشتاپویی کلینتون‌ها

برخی افراد سیاسی دولتی در ایالات متحده وجود دارند که می‌توان از آنها برای تسویه‌حساب‌های سیاسی استفاده کرد. ازجمله «خدمات درآمد داخلی»، به‌ویژه اگر پای مقام‌هایی در میان باشد که سعی دارند از قدرت خود سوءاستفاده کنند. خانواده کلینتون در دوران ریاست‌جمهوری بیل کلینتون از اداره خدمات درآمد داخلی به‌عنوان ابزاری برای آزاروادیت و انتقام از دشمنان سیاسی خود استفاده می‌کرده است. گفته می‌شود، افراد و گروه‌هایی که از سیاست‌های کلینتون دفاع نمی‌کردند، اغلب با ممیزی‌های مالیاتی سنگین این اداره روبه‌رو شدند. از جمله بیل اورلی، از مجریان شبکه فاکس‌نیوز و یکی از منتقدان سرسخت دولت کلینتون، گفته در دوران ریاست‌جمهوری کلینتون اداره خدمات درآمد داخلی سه بار حساب‌های وی را حسابرسی کرد که تقریبا بی‌سابقه بوده است.

سرپوش گذاشتن بر اعمال بیل

خانواده کلینتون متهم است نه‌تنها با استخدام کارآگاهان خصوصی تلاش می‌کرده بر رسوایی‌های اخلاقی بیل کلینتون، از جمله تجاوز به یک زن مشتد سریوش بگذارد، بلکه با تهدید و ارعاب تلاش کرده آنان را وادار به سکوت کند. کینتین ویلی، از جمله زنانی است که مورد آزار و اذیت بیل قرار گرفته و معتقد است هیلاری کلینتون در تلاش برای ارعاب او و همچنین سرقت خاطرات از منزلش دست داشته است.

غارت کاخ سفید

گزارش‌های متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه خانواده کلینتون با ترک کاخ سفید، وسایلی را با خود از این مرکز خارج کرده‌اند. گفته می‌شود در یک مورد هیلاری تلاش کرده مبلمان کاخ سفید را به خانه شخصی خود در نیویورک منتقل کند. همچنین زمانی که خانواده کلینتون تلاش کرد هدایا و اتاق‌های به ارزش ۱۰ هزار دلار را از اعضای ریاست‌جمهوری خارج کند به‌شدت از این خانواده انتقاد شد. گفته می‌شود خانواده کلینتون همچنین در ازای حمایت‌های سیاسی و منافع شخصی خود برخی امتیازهای ویژه را به افراد می‌فروختند یا وادکار می‌کردند.

فایل‌گیت: «اف‌بی‌آی» علیه جمهوری‌خواهان

خانواده کلینتون همچنین درگیر یک رسوایی با عنوان «فایل‌گیت» بود که در آن به‌طور غیرقانونی از اطلاعات و فایل‌های پلیس اف‌بی‌آی برای زیرنظرگرفتن مخالفان استفاده شده است. بلیس اف‌بی‌آی برای زیرنظرگرفتن مخالفان استفاده شده است. زیرنظرگرفتن افرادی که اغلب بیش‌تر در دولتی جمهوری‌خواه مشغول به‌کار بودند.

این رسوایی نخستین‌بار توسط کمیته نظارت و اصلاح مجلس کنگره ایالات‌متحده فاش شد. این کمیته دریافت که کریک لیویتسکین، وکیلی که پیش‌تر برای هیلاری کلینتون کار می‌کرد کاملا غیرقانونی به فایل‌های اف‌بی‌آی دسترسی داشته‌اند.

ارتباط با اخوان‌المسلمین

گفته می‌شود، هما عابدین که بیش از ۳۰ سال از نزدیک با هیلاری کلینتون کار کرده و مشاور وی بوده، با اخوان‌المسلمین روابط نزدیکی داشته است. عابدین در شهر کالامازو واقع در ایالت کالیفرنیا در سال ۱۹۷۶ متولد شده است. اما زمانی‌که وی ۴ سال بیشتر نداشت، والدینش به عربستان سعودی رفتند. پدرش متولد همه در زمان استعمار انگلیس و مادرش صاحب مطالعه عابدین یک پاکستانی است. گفته می‌شود مطالعه عابدین به‌همراه همسر محمد مرسی، از اعضای ارشد شاخه زنان حزب اخوان بوده‌اند.

پرونده «وایت‌واتر»

آرکانزاس ایالتی بود که خانواده کلینتون فعالیت‌های سیاسی خود را از آنجا آغاز کردند. اما این ایالت همان‌جایی است که در پی رسوایی وایت‌واتر در دوره فرماندهی بیل کلینتون بر این ایالت آنها یک دادگاه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ میلادی. چهره اصلی این خانواده را محدوش کرد. ژنرال کلینتون همواره با سوزان وایمز محکوم‌کنال در یک پروژه توسعه مسکن موسوم به وایت‌واتر مشارکت کرد. خانواده مک‌دوگال به اتهام فعالیت‌های مشکوک و متقابلانه وارد شده‌اند. نتیجه ژنرال کلینتون برای این پرونده، چهل‌گاه تحت بیگرد قرار نگرفت. اما نام وایت‌واتر همیشه برای جناح محافظه‌کار به‌معنای ابهام در شیوه مدیریتی کلینتون‌ها بوده است.

مرگ «ویس‌کاس» در سال ۱۹۹۳

ویس‌کاستر، معاون مشاور کاخ سفید و از دوستان نزدیک هیلاری کلینتون بود که تامش در رسوایی وایت‌واتر و تورلیکت مطرح شده بود. جسد فاستر در سال ۱۹۹۳ درحالی‌که به دهان خود شلیک کرده بود، پیدا شد. اگرچه مرگ وی خودکشی تشخیص داده شد، اما چندی بعد تردیدهای جدی دراین‌باره به وجود آمد. به‌ویژه پس از اینکه وکیل‌ویتسکین در گزارشی با انتقاد از دخالت کاخ سفید در روند تحقیقات اعلام کرد کاخ سفید برای تحقیقات بیشتر به بازرسان فدرال اجازه ورود به دفتر فاستر را ندادند. درحالی‌که کارمندان کاخ سفید مدت کوتاهی پس از مرگ وی، وارد دفتر کار او شده‌اند. سال‌های بعد ادوارد لیلند، دبر کتابی با عنوان «حقیقت درباره هیلاری» از دخالت هیلاری کلینتون در ایمان‌بردن مدارک فاستر نوشت.

تورلیک: بازگردن جایی برای دوستان

در ماجرای موسوم به تورلیکت، تمامی کارمندان بخش سفر کاخ سفید اجازه داشتند تا این مشاغل به دوستان و اعضای خانواده کلینتون، از جمله بیل ۲۵ ساله، بسپرند. کلینتون، دائم وقت گذرانده می‌شود. هیلاری کلینتون به‌طور غیرقانونی هفت نفر از کارمندان را اخراج و پست‌های آنان را به دوستان کانزاسی خود بخشیده است. به نوشته واشنگتن‌پست، همچنین تلاش شده مناقصه خط هوایی کاخ سفید نیز به یکی از دوستان کلینتون واگذار شود.

ادامه از صفحه ۹

در مواجهه با این شرایط دشوار، من و رئیس‌جمهور اوباما مصمم شدیم از هر دو روش مذاکره‌وکرن و افزایش فشار بر ایران، استفاده کنیم تا یک انتخاب واضح را برای ایران مشخص کنیم: اگر آنها به تعهدات خود پایبند باشند و نگرانی جامعه بین‌المللی را برای برنامه هسته‌ای خود از بین ببرند، می‌توانند شاهد بهبود روابط باشند. اما اگر مخالفت کنند، آنها با تحریم‌های شدیدتر و حتی عواقب درناک‌تری روبه‌رو می‌شوند.

یکی از نخستین حرکت‌های اوباما ارسال دو نامه خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای با بیننده‌ها از سرگیری روابط دیپلماسی، بود. او همچنین پیام‌های ویدیویی خطاب به مردم ایران را ضبط کرد. مانند تلاش‌های یک دهه قبل همسر من، این پیام‌ها در تهران به دیوارهای سنگی برخورد کرد. هیچ‌کس در اینجا این توهم را نداشت که ایران صرفا به دلیل اینکه رئیس‌جمهور جدید تمایل به برقراری ارتباط دارد، رفتار خود را تغییر دهد. اما باور داشتیم که تلاش‌های ما برای برقراری رابطه، در صورتی که ایران پیشنهادهای ما را رد کند، به ما برای وضع تحریم‌های سنگین‌تر قدرت می‌دهد. به‌این‌ترتیب، سایر کشورهای دنیا مشاهده می‌کردند که ایران سخت‌گیر است و نه آمریکا و در این‌صورت احتمال اینکه آنها از افزایش فشار بر تهران حمایت کنند، افزایش پیدا می‌کرد. مسیر تازه‌ای که بررسی کردیم، همکاری در افغانستان بود. در هر صورت در سال ۲۰۰۱ و در روزهای نخست جنگ در افغانستان، صحبت‌هایی در رابطه با همکاری دو کشور در افغانستان، برای ریشه‌کن‌کردن تجارت موادمخدر و ایجاد ثبات در افغانستان، وجود داشت.

در مراسم افتتاحیه در یک کنفرانس بین‌المللی، من باید تصمیم می‌گرفتم آیا از ایران برای حضور در کنفرانس مربوط به افغانستان که توسط سازمان‌ملل در آخر ماه مارس و در لاهه برگزار می‌شد، دعوت کنم یا خیر؟ بعد از مشاوره با متحدان آمریکا (ناتو)، من کنفرانس پیش‌رو را به یک جزر بزرگ تشبیه کردم که تمامی کشورهایی که مسئله افغانستان برای آنها اهمیت دارد، در آن حضور دارند.

ایس حرف مس، در را برای ایران باز کرد؛ اگر آنها در این کنفرانس حضور پیدا می‌کردند، این اولین دیدار مستقیم میان دو کشور بود. تهران درنهایت معاون وزیر خارجه، کسی که در سخنرانی خود درباره همکاری مثبت صحبت می‌کرد، را به این کنفرانس فرستاد. من با دیپلمات ایران دیدار نکردم، اما «جیک سالیوان» را برای مذاکره با او فرستادم تا احتمال همکاری مستقیم در رابطه با افغانستان، افزایش یابد.

جیک همچنین نامه درخواست آزادی سه شهروند آمریکایی که در بازداشت ایران بودند را به نماینده ایران تحویل داد؛ یک مامور بازنشسته اف‌بی‌آی به نام «رابرت لوینسون»، یک فارغ‌التحصیل دانشگاه به نام «عشا مومنی» و یک روزنامه‌نگار آمریکایی، از نژاد ایرانی-ژاپنی به نام «رکسانا صابری». رکسانا تنها چندروز بعد از شروع کار من در ژانویه ۲۰۰۹ به‌عنوان وزیر خارجه، به جرم جاسوسی در تهران بازداشت شد.

بعد از یک دوره اعتصاب غذا و تلاش روسای کشورهای مختلف، ازجمله رئیس‌جمهور آمریکا، او در ماه می، آزاد شد. او کمی بعد برای دیدار با من به وزارت خارجه آمد تا از تجربه تلخ خود صحبت بکوید. رابرت لوینسون همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد. عشا مومنی که به قید ضمانت آزاد شده بود با وجود خروج از ایران را نداشت. در اکتوبر ۲۰۰۹ به آمریکا بازگشت. در همان کنفرانس لاهه، «ریچارد هولبروک»، گفت‌وگوی مختصری در ناهار رسمی با دیپلمات ایرانی داشت. درحالی‌که ایرانیان بعدا این مسئله را تکذیب کردند.

نیمه دوم سال ۲۰۰۹ تا تغییر و تحولات غیرمنتظره‌ای همراه بود که به‌طور قابل ملاحظه‌ای مذاکرات بین‌المللی با ایران را تغییر داد. ابتدا انتخابات ریاست‌جمهوری فرارسید. سپس در ماه ژوئن، احمدی‌نژاد به‌عنوان پیروز انتخابات معرفی شد. افرادی در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر ایران، ساعت‌ها در مقابل صندوق‌های رای ایستاده بودند تا صدای خود را به گوش جهان برسانند. اما با وجود این شرایط، این انتخابات به‌شدت با تقلب روبه‌رو شد. در ماه آگوست، من این مسئله را علنا اکتذیب کردند.

در ماه آگوست، من این مسئله را علنا «لاورو» از روسیه در میان گذاشتم و گفتم خارج‌کردن اورانیوم کمترغنی‌شده از ایران، تنش‌های موجود در منطقه را کاهش می‌دهد. من امیدوار بودم با همکاری روسیه و آمریکا و نشان‌دادن همبستگی آنها، ایران مجبور به واکنش شود. او موافقت کرد و گفت: «ما این درخواست را با جدیت بررسی می‌کنیم و آماده مشارکت با شما هستیم».

حال در مذاکرات ژنو، قادر آن رسیده بود که این پیشنهاد را مطرح کنیم و ببینیم ایران چه واکنشی نشان می‌دهد. برنز در اسفند ماه‌جاری به «سعید جلیلی» پیشنهاد یک مذاکره مستقیم را برای برنامه پیشنهادی ما را برای او مشخص کرد. جلیلی می‌دانست با یک اجماع بین‌المللی متحد و یک پیشنهاد بدون شک منصفانه و منطقی، روبه‌روست. او چاره‌ای جز از پذیرفتن این پیشنهاد نداشت. «اینورن» و معاون مذاکره‌کننده ایران جزئیات آن را با دقت، مرور کردند.

ایران تمامی آنها را با یک شرط پذیرفت: قبل از اینکه آنها به تهران بازگردند و مسائل را با مافوق‌های خود در میان بگذارند، خبر این توافق منتشر نشود. در همان ماه، وقتی مذاکره‌کنندگان دوباره در ژنو تشکیل جلسه دادند، تهران این تعارف خود را برداشت. مذاکره جلیلی در تهران خیلی بیش نرفته بود. تندروهای دولت به‌شدت با این توافق مخالفت کرده بودند.

حال در مذاکرات ژنو، وقت آن رسیده بود که این پیشنهاد را مطرح کنیم و ببینیم ایران چه واکنشی نشان می‌دهد. برنز در استراحت ناهار به «سعید جلیلی» پیشنهاد یک مذاکره مستقیم جداگانه را داد. برای جلیلی درخواست برنز را پذیرفت. برنز شرایط پیشنهادی ما را برای او مشخص کرد. جلیلی می‌دانست با یک اجماع بین‌المللی متحد و یک پیشنهاد بدون شک منصفانه و منطقی، روبه‌روست

حال در مذاکرات ژنو، قادر آن رسیده بود که این پیشنهاد را مطرح کنیم و ببینیم ایران چه واکنشی نشان می‌دهد. برنز در استراحت ناهار به «سعید جلیلی» پیشنهاد یک مذاکره مستقیم جداگانه را داد. برای جلیلی درخواست برنز را پذیرفت. برنز شرایط پیشنهادی ما را برای او مشخص کرد. جلیلی می‌دانست با یک اجماع بین‌المللی متحد و یک پیشنهاد بدون شک منصفانه و منطقی، روبه‌روست

در دشواری‌امنیت ۱۰ کرسی دیگر برای سایر کشورهای جهان وجود دارد که این کشورها به‌صورت چرخشی و برای دوره دو ساله توسط مجمع‌عمومی انتخاب می‌شوند. برنز مدیر شورای‌امنیت، طرح پیشنهادی بایدا از نوبه دو ساله و ۹ و ۱۵ و ۱۹ و ۱۵ را برای این شورا را کسب کند. این امر نقش کشورهای کوچکی مانند اوگاندا و لبنان را که به‌صورت چرخشی در شورای‌امنیت قرار می‌گرفتند، بااهمیت می‌کرد. برای همین هم من در مدت چهارساله حضورم در وزارت خارجه، به کشورهایی مانند توگو، سفر کردم که معمولا در امور بین‌المللی نقشی نداشتند. اما می‌دانستم زمانی فرارسید که ما به رای آنها احتیاج خواهیم داشت. کسب ۹ رای از میان اعضای تخییربرنده شورای‌امنیت، چالش‌برانگیز بود. در یکی از جلسه‌های متعدد برنامه‌ریزی استراتژیک من با «دیوید مالینه» انگلیسی، او این موضوع را برای من روشن کرد که تنها قانع‌کردن سیر چاپی وتونکردن طرح بیشنهادی ما در شورای‌امنیت کافی نیست و ما باید برای ممتنع نشود، موافقت چین را کسب کنیم. «مالینه» گفت: «چین به‌طور قطع دارد که ما ارای بیاورد». اوگاندا، بزیل و ترکیه را از دست دهیم». من با تفکرات من در این نتیجه برزیل و ما برای اوگاندا و نیجریه را از دست نخواهیم داد. اما داستان برزیل و ترکیه مصادیق بود. دیوید در ادامه گفت که هنوز مشخص نیست که روسیه در صورت مخالفت چین، به طرح رای مثبت دهد. من و باراک گفتم: «ما باور داریم که آنها از این طرح، حمایت می‌کنند، اما هزینه آن ممکن است تحریم‌های سنگین‌تر باشد».

در اواسط سال اوباما، من با «بوری موسوئی»، رئیس‌جمهوری اوگاندا، دیدار کردم. احمدی‌نژاد نیز قرار بود روز بعد در تلاش برای جلوگیری از تحریم‌های جدید، به اوگاندا سفر کند. پس مروری بود که قبل از او اول با «موسوئی دیدار کنم و از او بخواهم از مطمئن شوم. اینکه من موسوئی را از سال ۱۹۹۲ بشناسم زمانی که برای اولین‌بار، از کشورش دیدن کردم، می‌شناختم: به ما کمک کرد. من در این دیدار این مسئله را که دولت اوباما تمام تلاش خود را برای برقراری رابطه با ایران انجام داده و جامعه جهانی نیز پیشنهادهای مهربانانه‌ای به آنها داده است. به موسوئی یادآوری کردم. «ایران هرگونه درخواستی را رد کرد. جامعه بین‌المللی را به‌چالش کشیده و به غیرنیازی بودن توسط بالا اعاده داد». من همچنین اشاره کردم: «اگر دیپلماسی مشکل را حل نکند، ممکن است اقدام نظامی صورت گیرد که هیچ‌کس خواستار آن نیست».

من به او گفتم: «ما می‌خواهیم با همکاری شما، بیام قاطعانه‌ای به ایران ارسال و مشخص کنیم خنوز زمان برای تغییر رفتار ایران وجود دارد». موسوئی گفت: «من به احمدی‌نژاد دو نکته را می‌گویم: اول اینکه ما حق استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق با سایر استفاده‌های صلح‌آمیز را برای تمام کشورها قائل هستیم. دوم اینکه ما به‌کلی مخالف تکثیر سلاح‌های هسته‌ای هستیم. من او را تشویق می‌کنم که درهای کشورش را روی بازرسان آژانس باز کند».

من به این نکته اشاره کردم اگر به گزارش آژانس در رابطه با ایران نگاه کنید، شکنندگی در توافق خوبی‌امنیت، وجود دارد. در سال ۲۰۱۰ ما به‌شدت برای به‌دست‌آوردن آرای لازم تلاش کردیم.

من خودم با رایزنی‌های دیپلماتیک گسترده که کریم باداور خاطرات مذاکرات پشت درهای بسته در مجلس سنا بود، وقت این مسئله کردم؛ درحالی‌که تمرکز اصلی ما روی پنج عضو اصلی شورای‌امنیت بود، زیرا همگی از اعضای دائم شورای‌امنیت دارای حق وتو هستند.

در شورای‌امنیت، حرف‌های من، گفت: «اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، در آژانس و شورای‌امنیت مطرح شود، زده نشده بود.

به‌طور خلاصه، این توافق نیاز ایران به میله‌های سوختی برای راکتورهای تحقیقاتی را رفع می‌کرد، اما باسخی برای نگرانی جامعه جهانی از بابت برنامه تسلیحاتی غیرقانونی این کشور، ارائه نمی‌داد. با توجه به زمان‌بندی این توافق، من اطمینان داشتم تلاش ایران برای ممانعت از تحویل مواد تحریم‌ها جدید علیه این کشور پس و احتمال موفقیت آنها هم زیاد بود.

از زمانی که توافق سال ۲۰۰۹ شکست خورد، ترکیه و برزیل خواستار تکرار آن بودند. هر دو کشور در شورای‌امنیت سازمان‌ملل متحد، دانشت و سعی کردند نفوذ خود را در جامعه بین‌المللی افزایش دهند. آنها مثال‌های مناسبی از قدرت‌های درحال شکوفایی که رشد سریع اقتصادی آنها عامل رویارویزی برای منطقه و جهان است، بودند.

هر دو کشور رهبرانی با اعتبارنه‌فقس بالا داشتند. «لولیز اینیاسو لولا دا سیلوا» از برزیل و «رجب‌طیب اردوغان» از ترکیه، کسانی که در ۲ سال عمد داشته و برای تداوم رشد کشورش به نفت ایران احتیاج داشت. زمانی‌که من وزیر خارجه بودم، کریم باداور این توافق را به ایران داشت و برای کسب توافق سایر اعضای غیردائم شورای‌امنیت بودیم. توقع ما این بود که حداکثر، رای ممتنع در میان آرا وجود داشته باشد و رای مخالفی در کار نباشد.

در همین زمان مجبور شدم به جلسه سازمان کشورهای قاره آمریکا در پرو بروم. این سفر تبدیل به یک اتفاق مثبت شد. «زنگ بسوی»، سفیر چین در ایالات‌متحده آمریکا، نیز در همان شهر بود و من او را به صرف نوشیدنی به هتل محل اقامتم دعوت کردم. آمیدوار بودم که بتوانیم یک‌بار برای همیشه بر سر فهرست تحریم‌ها به توافق برسیم.

هتل ما روی صفحه‌های «کوستا برده» قرار داشت و دارای منظره رو به افیانوس بود. زمانی که «زانگ» رسید، من او را به طرف یک میز در بار هدایت کردم تا در سکوت آنجا بتوانیم صحبت کنیم. خبرنگاران وزارت خارجه نیز در آنجا حضور داشتند و مشغول خوردن و آشامیدن بودند و با اصلا فکرش را هم نمی‌کردند که مذاکرات درست در نزدیکی آنها صورت می‌گیرد. در همین زمان حساب، خبرنگار نیویورک‌تایمز برای ریختن نوشیدنی نزد ما آمد و گفت: چه کسی گفته دیپلماسی در یک زمان نمی‌تواند هم مؤثر باشد و هم سرگرم‌کننده؟ من با لبخندی پذیرفتم. زانگ نیز مؤدبانه همراهی کرد. در آنجا بود که همراه با کوکتل پرویی، ما درباره تحریم‌ها صحبت کردیم.

شورای‌امنیت سازمان‌ملل قطع‌نامه ۱۹۲۹ را با ۱۲ رای موافق و دو رای مخالف، تصویب کرد. این قطع‌نامه شامل شدیدترین تحریم‌های بود که تاکنون اعمال شده بود؛ و سایه بازداران، فروش سلاح‌ها و تراکنش‌های مالی را نیز شامل می‌شد.

تنها برزیل و ترکیه به دلیل اینکه تلاش‌هایشان بی‌ثمر شده بود، هنوز دلخور بودند و به این قطع‌نامه رای منفی دادند. در آخرین لحظات، پس از پیش‌دستی‌کردن من، بایدن و وزیر راه و ترابری «رای لاهود»، یک لبنانی- آمریکایی بانفوذ، لبنان رای ممتنع داد. من چند ساعت قبل با «میشل سلیمان»، رئیس‌جمهوری لبنان از کلمبیا تماس گرفتم و از او خواستم که رای منفی ندهد. او مجبور بود به‌دلیل شرایط سیاسی کشورش، رای منفی دهد. من می‌دانستم که او با سختی‌های زیادی روبه‌رو است برای همین از رای ممتنع راضی بودم. این قطع‌نامه با بی‌نقص‌بودن قطعه داشت- برای جذب همکاری روسیه و چین، امتیازاتی به آنها داده شد- اما من به کاری که انجام دادیم، افتخار می‌کردم. در سال‌های ریاست‌جمهوری بوش، ایران توانسته بود قدرت‌های جهان را علیه یکدیگر برانگیزد و از تحریم‌های بین‌المللی برای فعالیت‌های غیرقانونی خود، دوری کند. اما دولت اوباما این رویه را تغییر داد.

با وجود موفقیت ما، می‌دانستم این تنازه شروع کار است. قطع‌نامه علاقه‌ای نداشتند و من حس کردم اگر آنها فرصتی برای زمان‌دادن به تهران ببینند، به‌سرعت از آن استفاده می‌کنند. نگرانی بیشترین بعد، به از شنیدن خبر تلفن توافق لولا، اردوغان و احمدی‌نژاد، برای همین نکته بود. برای اینکه شکی وجود نداشته باشد، «سلمو آمویرم»، وزیر خارجه برزیل، دریک کنفرانس خبری، تایید کرد که به «سلمو آمویرم» گفته بود که مذاکره باز کرده و از تصویب تحریم‌ها جلوگیری می‌کند». بعد از آن وقتی با «سلمو آمویرم» دیدار کردم، برای خارجه ترکیه و برزیل بسیار کردند من با رفتاری که کنند که این قرارداد خود را در جامعه بین‌المللی افزایش دهند، دشوار ۱۰ ساعته گزارش دادند و تلاش کردند قانعم کنند که کار آنها موفقیت‌آمیز بوده است. فقط کسی که آنها تعجب کردند که چرا من توجه داشتم. اما من می‌خواستم این قدمی بردارد و صحبت‌های بیشتر و بدون عمل، برای من کافی نیود. من به «آمویرم» گفتم: «ما دست خود را از خواست خواستیم تا برای بیشتر دیگر طی این مسائل، کوتاه بیایند. کنید». من به «دای» یادآوری کردم که او از خواستم و اوگاندا نیز، این را بیند. اما او اعتماد به‌نفس بالایی در رسیدن به یک نتیجه مناسب، داشت. سرانجام برافروخته شد و گفتم: «باید برای این روند، پایانی وجود داشته باشد. رئیس‌جمهور علیه باید وجود داشته باشد».

وزیر خارجه برزیل بیان کرد: «شاید برای ایران، توافق با برزیل و ترکیه، از توافق با اکبرآباد، آسان‌تر باشد». من شک داشتم که ما خوجی مدیری داشته باشد و نگران بودم در زمان نخست‌وزیری من، کسی را از این اختیار بگیرد. من از «سلمو آمویرم» خواستم تا به «دای» گفتم این مسئله برای به‌دست‌آوردن آرای لازم تلاش کردیم